

مجمع‌الفضلا

علیرضا شعبانلو*

چکیده

نوشتن تذکره شعرا در حوزه رواج و گسترش زبان فارسی، بیش از همه در فرارودان و هند، سابقه و روایی دارد. پس از تألیف *لباب‌الالباب*، وقفه طولانی در نوشتن تذکره روی داد و در قرن نهم فقط *تذکره الشعرا* دولت‌شاه نوشته شد، اما از اواخر قرن دهم تذکره‌نویسی به ویژه در هند رونق گرفت؛ در آنجا به دلیل وجود حکومت‌های ایرانی، محیط مناسبی برای حضور شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان فراهم آمده بود. یکی از تذکره‌های مهم که در این دوره تألیف یافت، *مجمع‌الفضلا* محمد عارف بخارایی است که متأسفانه تاکنون تحقیق بایسته‌ای درباره احوال مؤلف و کتابش انجام نگرفته است و اکثر محققان صرفاً به نقل سخنان عبدالحی حبیبی و علیرضا نقوی پرداخته‌اند و چیزی بر آنها نیفزوده‌اند. یکی از دلایل گمنامی *مجمع‌الفضلا* و مؤلفش، کمیابی نسخه‌های آن است. از این تذکره تنها دو نسخه شناخته‌شده وجود دارد؛ یکی در دانشگاه پنجاب لاهور و دیگری در دانشگاه تهران. در این مقاله کوشش می‌شود تا ضمن تحلیل و نقد تحقیقات پیشین درباره تذکره *مجمع‌الفضلا*، این تذکره بر اساس نسخه موجود در دانشگاه تهران، بررسی و معرفی شود.

کلیدواژه‌ها: تذکره، تذکره‌نویسی در هند، *مجمع‌الفضلا*، محمد عارف.

۱. مقدمه

تذکره، اصطلاحاً به کتابی گفته می‌شود که در آن شرح حال گروهی چون شعرا،

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
alirezashabanlu@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۴/۲

نویسندگان، عارفان و مانند آنها نوشته شده باشد. *تذکره‌الاولیای عطار نیشابوری* نخستین کتابی است که در زبان فارسی با عنوان تذکره و در معنای مصطلح آن نوشته شده است و حاوی شرح حال نود و هفت تن از بزرگان عرفان است. تذکره‌نویسی در حوزه رواج و گسترش زبان فارسی، بیش از همه در فرارودان و هند، دارای سابقه و روایی است. کهن‌ترین تذکره موجود در شعر فارسی، *لباب‌الالباب* است که محمد عوفی بخارایی، در سال ۶۱۸ ق. در هند نوشته است. *تذکره‌الشعراى دولت‌شاه سمرقندی* نیز که قدیم‌ترین تذکره شاعران است، با عنوان تذکره تألیف یافته و در سال ۸۹۲ ق. در هرات به پایان رسیده است. *جز لباب‌الالباب و تذکره‌الشعرا* تا سده دهم هجری هیچ تذکره‌ای برای شاعران نوشته نشد، اما در سده دهم، تذکره‌نویسی یکباره رونق گرفت و تذکره‌های متعددی به وجود آمد. این تذکره‌ها اغلب از روی تذکره‌های قبل از خود نوشته شده‌اند، بی‌آنکه تحقیق و مطالعه‌ای در احوال و آثار شاعران صورت گرفته باشد؛ لذا اشتباهات تذکره‌های قبل به تذکره‌های بعدی نیز راه یافته و شیوه کار نیز بی‌هیچ تغییری از تذکره‌های پیشین اقتباس شده است. اهمیت این تذکره‌ها، در بخش معرفی شاعران معاصر است که گاهی برخی وقایع تاریخی مهم نیز در میان شرح حال شاعران راه یافته و موجب ارتقای ارزش این تذکره‌ها شده است. یکی از این تذکره‌ها، *مجمع‌الفضلاى* محمد عارف بخارایی است که تألیف آن در سال ۹۹۶ ق آغاز شده و تحریر نخست آن، در زمان سلطنت اکبرشاه (وفات ۱۰۱۴ ق) به پایان آمده است. از مهم‌ترین تذکره‌هایی که در فرارودان یا به دست اهالی آنجا، همزمان با *مجمع‌الفضلا* تألیف یافته‌اند، می‌توان به دو تذکره *مذکرالاحباب* از سید بهاء‌الدین خواجه حسن نثاری بخارایی (۹۲۲-۱۰۰۶ ق) و *تذکره‌الشعراى مطربى سمرقندی* (۹۶۶-۱۰۳۹ ق) اشاره کرد. در هند نیز تذکره‌هایی که همزمان با *مجمع‌الفضلا* نوشته شده‌اند عبارت‌اند از: ۱. *روضه‌السلاطین*، نوشته سلطان محمد فخری بن میری هروی در ۹۵۸ هـ؛ ۲. *جواهرالعجايب*، نوشته سلطان محمد فخری بن امیر هروی ۹۶۲ هـ؛ ۳. *نفايس المآثر*، نوشته میرعلاء‌الدوله سیفی کامی قزوینی ۹۸۲ هـ؛ ۴. *بزم‌آرای*، نوشته سید علی بن محمود حسینی ۱۰۰۰ هـ؛ ۵. *هفت اقلیم*، نوشته امین احمد رازی ۱۰۰۲ هـ؛ ۶. *خلاصه‌الاشعار و زبده‌الافکار*، نوشته تقی‌الدین محمدحسین ذکری کاشانی ۱۰۱۶ هـ؛ ۷. *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*، نوشته تقی‌الدین محمد اوحدی حسینی بلیانی اصفهانی ۱۰۲۴ هـ؛ ۸. *میخانه*، نوشته عبدالنبی فخرالزمانی متخلص به علایی ۱۰۲۸ هـ.

پیشینه تحقیق

عبدالحی حبیبی گردیزی، دانشمند معاصر افغان، نخستین تحقیق درباره شرح حال و آثار خواجه محمد عارف بقایی را در دوره معاصر نوشته و در مجله راهنمای کتاب (۱۳۳۹) چاپ کرده است. پس از وی، سعید نفیسی در تاریخ نظم و نثر فارسی، و علیرضا نقوی در تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان، و گلچین معانی در تاریخ تذکره‌های فارسی از او نام برده‌اند. نفیسی به معرفی مختصر بسنده کرده است، اما نقوی و گلچین معانی، محمد عارف و تذکره‌اش را نسبتاً مفصل معرفی کرده‌اند. هر جا سخنی از خواجه محمد عارف و مجمع‌الفضلا به میان آمده - مانند دایرة‌المعارف‌ها و دانش‌نامه‌ها - تکرار سخنان عبدالحی حبیبی و علیرضا نقوی است.

عبدالحی حبیبی، تذکره مجمع‌الفضلا را از روی نسخه‌ای که در افغانستان دیده، معرفی کرده است. علیرضا نقوی مدعی است که تذکره مورد استفاده حبیبی همان است که نقوی آن را در پاکستان در دانشگاه لاهور دیده است (۱۳۴۳: ۱۱۴) و اکنون در دانشگاه پنجاب نگهداری می‌شود.^۱ گلچین معانی، مجمع‌الفضلا را ندیده و همه مطالب خود را از مقاله حبیبی و کتاب نقوی گرفته است. به دلیل اینکه میان گفته‌های حبیبی و نقوی، اختلافات مهمی درباره تعداد شاعران معرفی شده در تذکره، تخلص مؤلف مجمع‌الفضلا و تعداد نسخه‌های آن وجود دارد، در این مقاله کوشش می‌شود اطلاعات نسبتاً متقنی درباره خواجه محمد عارف و اثر مهمش مجمع‌الفضلا، با تحقیق و پژوهش در کتب معتبر تاریخی و متن نسخه دستنویس تذکره مجمع‌الفضلا - موجود در دانشگاه - تهران عرضه شود.

۲. خواجه محمد عارف بقایی اندجانی بخارایی

وی شاعر و تذکره‌نویس سده‌های دهم و یازدهم هجری قمری است. در نسخه‌های چاپی همه تذکره‌هایی که نامی از صاحب مجمع‌الفضلا برده‌اند، تخلص او را بقایی نوشته‌اند (نهایندی، ۱۳۸۱: ۷۹۷؛ بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۳۶؛ محمد صدیق حسن، ۱۳۸۶: ۱۳۳؛ گلچین معانی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۵۴؛ آزاد بلگرامی، ۱۳۹۰: ۸، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۱، ۶۰۸، ۶۸۲؛ غوثی مندوی در گلزار ابرار، نقل از آزاد بلگرامی، ۱۳۹۰: ۳۸۹؛ نقوی، ۱۳۴۳: ۱۰۹؛ حبیبی، ۱۳۳۹: ۵۲۲-۵۳۰)، اما در نسخه دستنویس خزانه عامره متعلق به موزه بریتانیا، تخلص

محمد عارف در یک مورد، لقایی ثبت شده است (آزاد بلگرامی، ۱۳۹۰: پاورقی ۶۰۸) و در نسخه خطی مجمع‌الفضلا، متعلق به نفیسی که از روی نسخه آقای بینوا در کابل نوشته شده و اکنون در دانشگاه تهران نگهداری می‌شود، مؤلف خود را محمد عارف مشهور به لقایی (بقایی، ۱۳۳۰: ۴) معرفی می‌کند؛ نیز در اشعاری که از مؤلف در همین نسخه آمده، نه بار تخلص شاعر ذکر شده که در همه موارد، لقایی است. آیا ممکن است کاتب این نسخه در همه موارد اشتباه کرده باشد؟ نفیسی نیز بر اساس همین نسخه، او را در جلد اول تاریخ نظم و نثر (۱۳۴۴: ۴۰۳) محمد عارف لقایی معرفی کرده، ولی در تکمله جلد اول (۱۳۴۴: ۸۰۸)، از او با عنوان محمد عارف بقایی نام برده است، بی‌آنکه اشاره‌ای به این اختلاف نظر داشته باشد و علت ترجیح بقایی بر لقایی را ذکر کند. ما نیز به دلیل دسترسی نداشتن به نسخ خطی منابع تحقیق و دیگر نسخه‌های خطی مجمع‌الفضلا جز آنچه در دانشگاه تهران است، ناگزیر به ضبط نسخه‌های چاپی اعتماد کرده و بقایی را عجالتاً به عنوان تخلص ثبت می‌کنیم.

عبدالباقی نهاوندی، مؤلف مآثر رحیمی که خود از هم‌عصران خواجه محمد عارف است و ظاهراً وی را در هند دیده است، کهن‌ترین و مبسوط‌ترین شرح را درباره احوال و آثار وی نوشته است. به دلیل اهمیت آن، در اینجا عین مطالب نهاوندی جز قصیده محمد عارف را نقل می‌کنیم:

خواجه عارف بقایی در عارف‌الآثار که از مصنفات او است، گوید: تولد من در بخارا واقع شده و از شاگردان ملامشفق بخاری‌ام و در ماوراءالنهر در ملازمت سلاطین ازبکیه می‌بودم و به تاریخ تسع و سبعین و تسع مائه (۹۷۹ هـ.ق) به هندوستان آمده و در ولایت اوریسه و بنگاله می‌بوده و از آنجا به دارالخلافه آگره رفته، تذکره خود را که عارف آثار نام نهاده در آگره نوشته و بعد از مدتی که در هندوستان بوده به سوی دکن آمده، در بندگی این سپهسالار [عبدالرحیم خان خانان] به سر می‌برده و از انشاء و شعر و خطابه به قدر وقوفی داشته و این قصیده که ثبت می‌شود، در تعریف و توصیف رزم این سپهسالار با سهیل حبشی که در دکن روی داده و از مصاف‌های مشهور این نامدار است و خود در آن مصاف در رکاب این کامکار بوده گفته و گلشن اشعار نام مثنوی در بحر شاهنامه در مدح این سپهسالار به نظم آورده که این بیت از آنجاست:

در آن خانه از صورت بی روان چراغی بر افروخت از نور جان

و تصنیفی دیگر کرده که مجمع‌الفضلا نام کرده و آن نیز مبنی بر مدح این نامدار است و خود از جمله مداحان اوست (نهاوندی، ۱۳۸۱: ۷۹۷-۷۹۸).

تاریخ ورود خواجه محمد عارف بخارایی به هندوستان ۹۷۹ق نیست، ممکن است مصحح یا کاتب مآثر رحیمی اشتباهاً تاریخ سبع و تسعین و تسعمائه را تسع و سبعین و تسعمائه خوانده باشد؛ زیرا خواجه محمد عارف بخارایی خود می‌نویسد: در سال ۹۹۵ از ملک فرغانه به عزیمت ملک هند برآمده بود (بقایی، ۱۳۳۰: ۲۰۹). از سوی دیگر، تذکره خود را نیز در سال ۹۹۶ در اندگان فرارود آغاز نهاده بود (همان: ۷). علاوه‌براین در سال ۹۸۳، زمان ولایت عبدالله‌خان بر بلخ، در فرارود یا نواحی بلخ با میرک وصالی دیدار کرده بود (همان: ۲۵۵)، پس چگونه می‌توانسته در سال ۹۷۹ در هند بوده باشد؟!

بدائونی نوشته است که او در دکن با ملک قمی شاعر می‌بود. از دکن به گجرات رفت و با میرزا نظام‌الدین احمد به سر می‌برد و «مشغولی» تخلص می‌کرد که میرزا نظام‌الدین تخلص وی را به بقایی تغییر داد. بقایی در سال ۱۰۰۳هـ ق از ملازمت خان خانان جدا شد و به آگره رهسپار شد (بدائونی، ۱۳۷۹: ۱۳۶-۱۳۷). از سخنان خواجه محمد عارف بخارایی در ذکر نسبتاً مبسوط ملک قمی، می‌توان دانست که این دو، همدیگر را پیش از سال ۱۰۰۳ ندیده بوده‌اند و نمی‌شناخته‌اند؛ زیرا ملک قمی ملک الشعرا نظام شاه و اولاد وی در ولایت احمدنگر بوده و

هنگامی که سپاه جلال‌الدین محمداکبر پادشاه در شهر سته هزار و سه به عزم تسخیر ملک دکن علم جهانگیری برافراخته، بر گرد حصار احمدنگر متمکن گشتند. وی در آن قلعه حصار شده بود. بعد از روزی چند بیرون آمده ... و به عبدالرحیم خان خانان که سپاهسالار آن لشکر ظفر اثر بود ملاقات کرده به شرف نوازش مشرف شد و در مدح هر یک قصاید غرا نظم کرده گذرانیده صله‌های مطبوع گرفت؛ هرچند وی را تکلیف ملازم پیشگی کردند اقبال ننموده، رخصت حاصل کرده، باز قلعه‌گی شد تا آنکه صلح در میان افتاد ... وی بیرون آمده به ملک بیجاپور رفته به شرف ملاقات عادلشاه مشرف شد (بقایی، ۱۳۳۰: ۲۰۰-۲۰۱).

بقایی در ادامه سخن، واقعه دیدارش با ملک قمی را بیشتر شرح داده و نوشته است:

روزی در آن هنگام [۱۰۰۳ ق] که سپاه پادشاه [جلال‌الدین محمداکبر] بر گرد حصار احمدنگر نشسته بودند، در منزل یکی از امرا با وی (ملک) ملاقات کردم؛ چون از احوال من اطلاع یافت از من طلب سخن کرد. من این چند بیت که در آن اوان نظم کرده بودم خواندم. توجه خاطر به جانب من گماشته مخصوصانه سلوک نموده زبان به نوازش گشاد:

به هفتاد و دو ملت گامزن شد مدعی من کسی دیگر نشد جز یأس آخر رهنمای من
به تأثیر نیاز خویشتن نازم که می‌ریزد ملک بهر اجابت اشک هنگام دعای من

ز پستی نیستی خواهم لقائی نی حیات خود که باشد از بقای من بسی خوشتر فنای من

(بقایی، ۱۳۳۰: ۲۰۲).

خواجه محمد عارف از آگره به لاهور رفت و بنابر گفته خود در سال ۱۰۰۳، در لاهور در خانه یکی از امرا با مولانا دحلی ملاقات کرده است (همان: ۲۸۱). وی دگر باره به درگاه عبدالرحیم خان خانان بازمی‌گردد و ملازم وی می‌شود؛ زیرا در جنگی که عبدالرحیم «در تاریخ بیست و هشتم ماه جمادی‌الثانی سنه هزار و پنچ با سهیل خان سپاه‌سالار عادل شاه دکنی» (همان: ۱۶۳) کرد و در دوم رجب سال ۱۰۰۵ با پیروزی عبدالرحیم خان خانان پایان یافت، خواجه محمد عارف در رکاب خان خانان بوده و قصیده‌ای در ستایش وی و تبریک فتح سروده که این سه بیت از آن قصیده است:

چون رو نمود طبل خور از آسمان فتح	پرواز کرد باز ظفر زآشیان فتح
از غره رجب به دوم روز بیشتر	افراخت مهجه‌های ظفر اردوان فتح
بگذشته بود از سنه هجرت رسول	نقد هزار و پنج در این خاکدان فتح

(بقایی، ۱۳۳۰: ۱۶۳)

خواجه محمد عارف بخارایی، بنابر آنچه که در مجمع‌الفضلا گفته، مدتی در قصبه باران که یکی از پرکنات صوبه رای طنپور هند است، به حکومت قیام می‌نمود. مولانا محزونی در همان روزها به واسطه دوستی با خواجه به منزل وی می‌رود و چند روز بعد بیمار می‌شود و آخر به همان مرض در ۲۸ رجب ۱۰۰۵ می‌میرد (بقایی، ۱۳۳۰: ۲۷۹-۲۸۰). با توجه به اینکه خواجه محمد عارف در سال ۱۰۰۳ در لاهور بوده و تاریخ مرگ محزونی را نیز در سال ۱۰۰۵ نوشته است، حکومت وی در قصبه باران باید پس از سال ۱۰۰۳ بوده باشد.

خواجه محمد عارف بقایی اهل سیاحت بوده و در شهرهای زیادی چون تاشکند، بخارا، سمرقند، اندکان، فرغانه، بلخ، آگره، اوریسه، بنگال، دکن، گجرات و لاهور زیسته است. از زمان تولد و وفات وی آگاهی دقیقی نیست، همین‌قدر می‌توان گفت که وی در تاریخ ۹۷۰ ق در هنگام سكرات موت مولانا نویدی کلنگ، ظاهراً همراه یاران نویدی بر سر بالین وی بوده است (همان: ۱۳۷). مؤلف مآثر رحیمی نیز که کتاب خود را در ۱۰۲۵ ق تألیف کرده و تا سال ۱۰۲۸ به طور قطع در آن مطالبی افزوده و در سال ۱۰۳۱ بر آن ترقیمه‌ای زده، از خواجه محمد عارف چون زندگان نام برده است (نهادنی، ۱۳۸۱: ۷۹۸). اگر وی در سال ۹۷۰ به هنگام حضور بر بالین نویدی، ۱۵ تا ۲۰ ساله بوده باشد و تا سال

۱۰۲۸ نیز زندگی کرده باشد، در حدود ۷۳ تا ۷۸ سال در این دنیا زیسته و عمر نسبتاً طولانی داشته است.

۳. آثار خواجه محمد عارف بخارایی

عبدالباقی نهایندی سه اثر به خواجه محمد عارف نسبت می‌دهد (۱۳۸۱: ۷۹۸)؛ نخست، مثنوی‌ای با نام گلشن اشعار در بحر شاهنامه که در مدح سپهسالار میرزا عبدالرحیم خان خانان به نظم درآورده است. از این مثنوی تنها یک بیت در مآثر رحیمی ذکر شده و در جای دیگر اثری از آن یافت نشد. دوم، تذکره عارف‌الآثار که نهایندی شرح حال محمد عارف را از آن نقل کرده است و سوم، تذکره مجمع‌الفضلا. بر اساس گفته نهایندی هر سه اثر در مدح عبدالرحیم خان خانان و به نام وی بوده است. ما از عارف‌الآثار و مثنوی گلشن اشعار، جز همین مختصر آگاهی موجود در مآثر رحیمی، اطلاعی در دست نداریم که بر اساس آن سخن نهایندی را ارزیابی کنیم. هرچند مطالبی از عارف‌الآثار و بیتی از گلشن اشعار، نشان می‌دهد که نهایندی این دو اثر را دیده و بر اساس مشاهدات خود اظهار نظر کرده است و لذا بهتر است به سخنان وی درباره این دو اثر اعتماد کنیم، سخن وی در باب تقدیم مجمع‌الفضلا به عبدالرحیم خان خانان از سوی خواجه محمد عارف اشتباه است. در نسخه مجمع‌الفضلا، متعلق به سعید نفیسی در دانشگاه تهران، درباره عنوان کتاب چنین آمده است: «عنوان این نسخه گرامی آن که یافت شرف نمایش به القاب حضرت نواب کامیاب... ابوالفتح سلطان اسفندیار ابن سلطان خسروبن سلطان یار محمدبن سلطان جانی بیگ رحمهم الله» (بقایی، ۱۳۳۰: ۵). در نسخه لاهور که مورد استفاده نقوی بوده نیز چنین بوده است (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۱۱).

گلچین معانی معتقد است: «تمامی نشانه‌هایی که نهایندی از عارف‌الآثار می‌دهد با مجمع‌الفضلا منطبق است و بعید به نظر می‌رسد که خواجه محمد عارف تذکره‌ای جز مجمع‌الفضلا داشته باشد» (گلچین معانی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۵۷). نقوی در معرفی مجمع‌الفضلا، سخنی درباره یکی بودن عارف‌الآثار و مجمع‌الفضلا ندارد و در پایان کتاب خود، عارف‌الآثار را به استاد سخن عبدالباقی نهایندی در مآثر رحیمی، کتاب مستقلی دانسته که بعد از سال ۹۸۰ هـ ق در آگره هند تألیف یافته و در زمره تذکره‌هایی آورده که اکنون نسخه‌ای از آنها بر جای نمانده است (نقوی، ۱۳۴۳: ۷۱۰). نفیسی نیز متأثر از عبدالباقی نهایندی و نقوی، محمد عارف را صاحب سه اثر می‌داند و می‌نویسد: «نخست در آگره

تذکره عارف‌الآثار را نوشته و در دکن مثنوی گلشن اشعار را سروده و تذکره مجمع‌الفضلا را در سال ۱۰۰۰ به پایان رسانیده و پس از آن مطالبی بر آن افزوده است» (نقیسی، ۱۳۴۴: ۸۰۸). با توجه به صراحت عبدالباقی نهاوندی مبنی بر نقل احوال خواجه محمد عارف از عارف‌الآثار و نبود آن مطالب در نسخه موجود مجمع‌الفضلا در دانشگاه تهران، بهتر است برخلاف نظر گلچین معانی و موافق با نظر عبدالباقی و نقوی و نقیسی این دو کتاب را آثاری مستقل بدانیم.

در نسخه نقیسی، خواجه محمد عارف می‌نویسد:

در تاریخ سنه ست و تسعین و تسعمائه (۹۹۶)، در بلده بهشت آیین اندگان شروع در نوشتن این نسخه سخن بند کرده شده بود، لیکن به شرف تمامی در مملکت هندوستان در عهد پادشاه جم جاه عالم و عالمیان جلال‌الدین محمد اکبر پادشاه غازی رسید (بقایی، ۱۳۳۰: ۷).

در نسخه لاهور نیز تاریخ شروع تذکره سال ۹۹۶ آمده است (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۱۰). حبیبی نیز همان سخن بقایی را نقل کرده، با این تفاوت که در آن تاریخ شروع تذکره، سنه تسعین و تسعمائه (۹۹۰) آمده است (حبیبی، ۱۳۳۹: ۵۲۶). نقوی زمان و مکان اتمام تذکره را به نقل از مؤلف آن، سال ۱۰۰۰ ق در وزیرپورهند می‌داند (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۱۰). در نسخه دانشگاه تهران، از وزیرپور و سال دقیق اتمام کتاب سخن نرفته است، اما از اشاره به دوره پادشاهی جلال‌الدین محمد اکبر می‌توان دانست که تحریر نخست تذکره مجمع‌الفضلا قبل از ۱۰۱۴ - سال وفات جلال‌الدین محمد اکبر - به پایان رسیده بوده است. نیز قرآینی هست که مؤلف دست‌کم تا سال ۱۰۲۳ بر آن می‌افزوده است؛ خواجه محمد عارف بخارایی درباره وفات میرفروغی می‌نویسد:

در تاریخ روز چهارشنبه نوزدهم ماه ذی‌القعدة سنه تسع عشر و الف ... از عالم رحلت فرموده؛ چنانچه این تاریخ راقم حروف دلالت بدین معنی می‌کند:

سال فوت او چو می‌جستم خرد زده و گفت کرد در سال هزار و نژده از عالم وداع (بقایی، ۱۳۳۰: ۲۸۹-۲۹۰)

از سوی دیگر خواجه محمد عارف در ذکر شکیبی اصفهانی، از سال مرگ وی که آزاد بلگرامی به نقل از گلزار ابرار آن را ۱۰۲۳ نوشته (آزاد بلگرامی، ۱۳۹۰: ۳۹۱)، سخنی به میان نیاورده است؛ یعنی در این زمان شکیبی زنده بوده است. بنابراین، در مجمع‌الفضلا تا سال

۱۰۱۹ ق به طور قطع و یقین مطالبی افزوده شده و این دستکاری به احتمال قوی تا زمان مرگ مؤلف که باید بعد از سال ۱۰۲۸ باشد، ادامه داشته است.

۱.۳ سامان مجمع‌الفضلا

خواجه محمد عارف در تدوین مجمع‌الفضلا، علاوه بر مقدمه و خاتمه بر سه فرقه اختصار نموده است. وی مقدمه را با ستایش حضرت حق و اشاره به نحوه آفرینش انسان چنین آغاز می‌کند:

سپاس بی‌غایت و ستایش بی‌نهایت آفریدگاری را جلّ جلاله و عمّ نواله که از کمالات موجودات در دریای وجود شخص انسانی سفینه پردفینه پرداخت (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۰۹).

این سخنان در حکم براعت استهلال برای تذکره است و کلماتی چون «سفینه» و «دفینه» بدین معنی اشاره دارند. پس از این، چند بیت شعر در تأیید گفتار مثنوی خود آورده و سپس بر همان سیاق سابق، یعنی رعایت براعت استهلال که شیوه‌ای نیک‌پسندیده و مرسوم میان اهل فضل و ادب در نگارش کتب و مناشیر و مکاتیب و هر نوع نوشته بوده است، بر سر توحید باری تعالی رفته است:

و خامه قدرتش، مسودات اوراق نهانی را یوماً فیوماً از سواد بر بیاض می‌آورد و کلک مشیتش نقوش دلپذیر محدثات را ساعه فساعه بر صحایف روزگار می‌نگارد (بقایی، ۱۳۳۰: ۱).

پس از حمد خداوند متعال، به همان شیوه نعت رسول اکرم (ص) را در چند سطر گفته و بر خاندان و اصحاب وی صلوات و درود فرستاده است. قبل از اتمام جمله درود و صلوات، پیش از آوردن عبارت «اصحابه و...»، یک قصیده از خواجوی کرمانی را در میان جمله صلوات، در منقبت آن حضرت نوشته و پس از آن، عبارت

و اصحابه و خلفاء الراشدين الطيبين الطاهرين آن حضرت که هر یک آفتاب جهانتاب اوج مسند سروری‌اند که چندین هزار گم‌گشتگان تیه ضلالت را به نور ولایت به سر حد هدایت می‌رسانند و راه می‌نمایند (همان: ۱).

را آورده است و بعد از آن، نه بیت قصیده دارد که به ستایش و منقبت ابوبکر و عمر و عثمان و حضرت علی (ع) پرداخته و در ادامه امام حسن (ع) و امام حسین (ع) را چنین ستوده:

ثنای بی‌نهایت و تحیات بی‌غایت اینار مشهدِ معطر و مرقدِ مقدسِ منورِ شاهزاده امام حسن و شاهزاده امام حسین که هر یک ماهِ عالمتابِ سپهرِ سلطنت و سعادت، و شهسواران میدانِ جلالت و میوه نوباوه حدیقه الهی و غنچه نوشکفته چمن شاهنشاهی و سلطان الاولیا و برهان الاتقیاء، در درج هدایت، نور دیده مردم بین و قبله ارباب صدق و یقین اند (همان: ۲).

پس از این، پانزده بیت در بیان حادثه کربلا و شهادت امام حسین (ع) آورده است.

بدین مطلع:

برخیز تا رویم به میدان کربلا قربان شویم بهر شهیدان کربلا

(بقایی، ۱۳۳۰: ۲)

سپس خود را معرفی کرده و علت فراهم آوردن کتاب را گفته و نام تذکره و محتوا و شیوه ساماندهی آن را بیان کرده و در نهایت مجمع‌الفضلا را به ابوالفتح سلطان اسفندیار ابن سلطان خسرو بن سلطان یار محمد بن سلطان جانی بیگ تقدیم نموده است. در پایان مقدمه، برای اجتناب از تطویل کلام، ذکر نه تن از فصحای عرب: لیبین اسود، فرزدق، دعبل، ابن الرومی، منتبی، ابوالعطاء مغربی، حریری، ابوالفتح معین الدین طنطرائی و عاصمی بستی را بسیار مختصر در ده سطر نوشته است.

بر اساس نسخه موجود در دانشگاه تهران، مؤلف مجمع‌الفضلا، در فرقه اول کیفیات و حالات یک صد و پانزده تن از فضلا و شعرا را از زمان رودکی تا زمان مولانا محمود برسه نگاشته^۲ و در فرقه ثانی شرح حال پنجاه و هفت تن را از جامی و فضلالی آن روزگار تا زمان مولانا ساعدی مرقوم کرده^۳ و در فرقه ثالث ذکر و اوصاف دویست و نه شاعر را از مشفق شروع کرده و احوالات و مقامات اکابر و شاعران معاصر خود را تا ظهیر سمرقندی نوشته است.^۴

در خاتمه، ذکر و بیان مجانبین و دیوانگان جنون‌آیین و هزال و مسخره‌ها و اهل خبط و طلبه که به سبب غلبه حماقت و قصور فطرت از فواید علمی بی‌بهره مانده‌اند و مباحثات ایشان و متشعران ناموزون و منتظم‌مان از وزن بیرون و لطایف کور و کران و نقلیات شیرین و اغلاط عام و امثال آنها را ثبت کرده (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۱۲).

مؤلف در این تذکره، صرفاً به نوشتن احوال شاعران مرد اکتفا کرده و هیچ ذکری از زنان

شاعر نیاورده است.

خواجه محمد عارف مدعی است که تذکره، احوال و کیفیات و اشعار شاعران را از

دیده‌ها و شنیده‌های خود گرد آورده و «علی‌الترتیب به بیاض برده، در تحریر آورده و احوال

و کیفیات و لطایف ایشان را گاهی تفصیلاً و گاهی اجمالاً بیان» (بقایبی، ۱۳۳۰: ۴) کرده است. منظور وی از ترتیب، ترتیب تاریخی است. او در این تذکره به منابع خود اشاره نکرده است. تذکره مجمع‌الفضلا، به ویژه در فرقه‌های اول و دوم، مانند تمامی تذکره‌های فارسی هم‌دوره خود و پس از خود، گرفتار تقلید و تکرار و آوردن توصیفات کلی و غیر واضح در نقد شعر و توان شاعری شعرا و برخی اشتباهات تاریخی و حکایات جعلی در احوال آنان است، اما فرقه سوم که ذکر حالات و اشعار هم‌عصران مؤلف است، احتمالاً از اشتباهات تاریخی و حکایات جعلی مبرا است و اعتبار و اهمیت دارد. متأسفانه بخش خاتمه کتاب که به معرفی عوام‌الناس و متشاعران ناموزون و اهاجی و هزلیات پرداخته بوده و می‌توانست منبع مفیدی در جامعه‌شناسی ادبیات محسوب گردد، از میان رفته است. مجمع‌الفضلا یکی از منابع تذکره‌های پس از خود، از جمله خزانه عامره نوشته غلام‌علی آزاد بلگرامی، شمع انجمن نوشته محمد صدیق حسن خان، نگارستان سخن نوشته نورالحسن خان ابن محمد صدیق حسن خان، تذکره نوبهار نوشته محمد رفیع‌الدین بن محمد شمس‌الدین، اختر تابان نوشته ابوالقاسم محتشم و تذکره الشعراء غنی نوشته محمد عبدالغنی است.

شیوه مؤلف در ذکر شاعران، چنانکه خود می‌گوید گاهی بنا بر تفصیل است و گاهی نیز بنا بر اجمال؛ اما شیوه رایج و غالب وی، رعایت اختصار مبتنی بر اعتدال است و تنها شرح حال برخی چون جامی و مشفق را طولانی و مفصل نوشته است. در معرفی شعرا اغلب به ذکر نام، تخلص، منشأ، مولد، ممدوح، محل رشد و تربیت، علوم مکتسبه و استادان، قدرت طبع و تیزفهمی، ارزش اشعار، برخی اتفاقات مهم و شنیدنی زندگی‌شان، آثار، چند بیت از اشعار، سال وفات و آرامگاه آنان به صورت بسیار مختصر اکتفا کرده است و در وفات برخی از شاعران هم عصر خود، ماده تاریخ سروده است. زبان تذکره بسیار ساده و نسبتاً علمی و دور از صنعت‌پردازی‌های ادبی و دارای اختصاصات شعر و نثر ساده مکتب وقوع است و جز در موارد بسیار اندک به تصنع و تکلف روی نیاورده است. عبارات و الفاظ به کار رفته در معرفی شعرا، اغلب تکراری است و در موارد فراوان ذکر شاعران جز در نام و نشان، تفاوت بسیار اندکی با هم دارند.

در نسخه موجود در دانشگاه تهران، بقایبی یکصد و نود و هفت بیت از اشعار خود را، که شامل سه قصیده (یکصد و هفده بیت)، چهار غزل (بیست و چهار بیت)، یازده قطعه (پنجاه و چهار بیت، به عنوان ماده تاریخ فوت شعرا) و یک رباعی است، در تذکره آورده که نشان از توانایی بالای وی در سرودن قصیده و غزل، به ویژه ماده تاریخ دارد.

نسخه‌های این تذکره بسیار ناشناخته و کم‌یاب‌اند. نقوی می‌نویسد: «نسخه منحصر به فرد این تذکره در دانشگاه لاهور موجود است که ناقص‌الآخر است و با ذکر یمانی در فرقه سوم تمام می‌شود» (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۱۴).

وی مدعی است که عبدالحی حبیبی، نسخه‌ای از روی نسخه لاهور برای خود استنساخ و از روی آن، نسخه‌ای دیگر برای نفیسی تهیه کرده است (نقوی، ۱۳۴۳: پاورقی ۱۱۴). نقوی در این سخن، مرتکب دو اشتباه شده است؛ یکی اینکه بر خلاف نظر وی، حبیبی از نسخه لاهور خبر نداشته و نسخه خود را از روی نسخه بسیار بدخط و ناقص یکی از دوستانش در کابل نوشته است (حبیبی، ۱۳۳۹: ۵۲۵)؛ دیگر اینکه نسخه نفیسی از روی نسخه‌ای در افغانستان که متعلق به آقای بینوا بوده، نوشته شده است. محمد انور، کاتب نسخه نفیسی، در صفحه نخست نوشته است:

این نسخه نادر که اصل آن مال آقای بینوا بوده از روی خط و املائی مغشوش و مغلوط و از رهگذر بی‌مبالاتی صاحبان سابق آن بعضی اوراق کنده و مقطوع بود و از روی کاغذ حدس زده می‌شد که دو قرن پیشتر نوشته شده؛ چون نسخه‌ای از آن در جای دیگر سراغ داده نمی‌شد. روزی در جای استاد هاشم شایق، استاد نفیسی نقل آن را خواهش داشتند و آقای مذکور به طرف این جانب اشاره و امر نمودند (بقایی، ۱۳۳۰: ۱).

محمد انور در ادامه گفته است: «سر و آخر این مجموعه کنده شده. از سر احتمال می‌رود که یک ورق کم باشد، نهایت دو؛ اما حصه اخیر آن معلوم نیست که چند ورق کم خواهد بود» (همان: ۱). نیز در صفحه آخر کتاب نوشته است: «اوراقی از پایان تذکره افتاده است که نمی‌توان مقدار آن را با حدس و گمان دانست؛ همین قدر می‌توان گفت که بخشی از فرقه سوم و تمام خاتمه کتاب افتاده است» (همان: ۲۹۴).

از مطالب فوق معلوم می‌شود که از این تذکره بیش از یک نسخه وجود دارد؛ نسخه نخست در لاهور، نسخه دوم که مأخذ حبیبی بوده؛ و نسخه سوم که متعلق به آقای بینوا بوده است. علاوه بر اینها گلچین معانی از دوست کابلی خود آقای سرور گویا اعتمادی، نقل می‌کند که یک نسخه هم وی داشته است (گلچین معانی، ۱۳۵۰، ج ۲: ۱۵۷). با این حساب از مجمع‌الفضلا چهار نسخه - بدون احتساب رونوشت آنها - موجود است.

نسخه نفیسی، در فرقه نخست شامل شرح حال صد و چهارده شاعر، در فرقه دوم شامل ذکر پنجاه و شش شاعر و در فرقه سوم شامل ذکر دویست و هفت شاعر می‌شود که

مجموعاً سیصد و هفتاد و هفت نفرند. از آغاز کتاب جملات و ابیاتی ساقط شده که با توجه به شیوه نویسنده و ارتباط مطالب، باید کمتر از یک صفحه باشد.

از آنچه در کتاب تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان آمده است، می توان فهمید که نسخه لاهور در آغاز افتادگی ندارد و چنین آغاز می شود: «سپاس بی غایت و ستایش بی نهایت آفریدگاری را جَلَّ جَلَّالُهُ و عَمَّ نَوَالُهُ که از کمالات موجودات در دریای وجود شخص انسانی سفینه پردفینه پرداخت» (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۰۹).

و فرقه های سه گانه آن به ترتیب مشتمل بر احوال صد و سی، صد و بیست، و صد و چهل شاعر است (همان: ۱۱۲) که مجموعاً ذکر سیصد و نود شاعر می شود. سخن نقوی درباره تعداد شاعران متناقض است. وی بدون توجه به مجموع اعداد فوق، در پاورقی نوشته است که نسخه ناقص الآخر لاهور ذکر تنها چهارصد و ده شاعر را دارد.

با آنکه نسخه حبیبی و نفیسی در بدخطی و ناقص بودن مشابه اند، گمان می رود که اصل یکسانی نداشته باشند. زیرا حبیبی تعداد کل شاعران را در نسخه مذکور به طور تقریبی بیش از سیصد و پنجاه نفر و معاصران بقایی را بیش از دویست و پنجاه نفر نوشته است (حبیبی، ۱۳۳۹: ۵۲۶-۵۲۹). دو نسخه دانشگاه لاهور و دانشگاه تهران (نفیسی) نیز نباید مشابه باشند؛ زیرا هم در تعداد شاعران اختلاف دارند و هم در سال شروع تذکره. تعداد و رقم شاعران در هیچ یک از نسخه ها یکسان نیست. با فراهم آوردن نسخه های مجمع الفضلا و مقابله آنها می توان به ذکر و شرح حال دست کم پانصد شاعر دست یافت.

۴. نتیجه گیری

مجمع الفضلا، علاوه بر مقدمه و خاتمه، دارای سه فرقه است. وی مقدمه را با ستایش خداوند، نعت پیامبر، مدح خلفا و امام حسن و حسین علیهم السلام آغاز کرده است، سپس خود را معرفی نموده و علت فراهم آوردن کتاب را گفته و نام تذکره و محتوا و شیوه ساماندهی آن را بیان کرده و در نهایت مجمع الفضلا را به ابوالفتح سلطان اسفندیار ابن سلطان خسرو بن سلطان یار محمد بن سلطان جانی بیگ تقدیم نموده است. در پایان مقدمه، برای اجتناب از تطویل کلام، ذکر نه تن از فصحای عرب را در ده سطر نوشته است. در فرقه اول کیفیات و حالات یک صد و پانزده تن از فضلا و شعرا را از زمان رودکی تا زمان مولانا محمود برسه نگاشته و در فرقه ثانی شرح حال پنجاه و هفت تن را از جامی و فضلی آن روزگار تا زمان مولانا ساعدی مرقوم کرده و در فرقه ثالث ذکر و

اوصاف دویست و نه شاعر را از مشفق‌ی شروع کرده و احوالات و مقامات اکابر و شاعران معاصر خود را تا ظهیر سمرقندی نوشته است. در خاتمه، ذکر و بیان مجانین و دیوانگان جنون‌آیین و هزال و مسخره‌ها و اهل خبط و طلبه که به سبب غلبه حماقت و قصور فطرت از فواید علمی بی‌بهره مانده‌اند و مباحثات ایشان و متشعران ناموزون و منتظم‌ان از وزن بیرون و لطایف کور و کران و نقلیات شیرین و اغلاط عام و امثال آنها را ثبت کرده است. مؤلف در این تذکره، صرفاً به نوشتن احوال شاعران مرد اکتفا کرده و هیچ‌ذکری از زنان شاعر نیاورده است. از این تذکره تنها دو نسخه شناخته شده وجود دارد؛ یکی در دانشگاه پنجاب لاهور، و دیگری در دانشگاه تهران.

پی‌نوشت‌ها

۱. مشخصات کتاب‌شناسی این نسخه را در هیچ یک از فهرست‌های موجود در ایران پیدا نکردم، ناگزیر به یاری دکتر ایران‌زاده، با آقای دکتر نوشاهی در پاکستان تماس گرفتم و ایشان مرحمت فرموده، مشخصاتش را برایم از طریق پست الکترونیکی فرستادند. از هر دو استاد بزرگوار سپاس دارم. این نسخه اکنون با شماره Pf I 2/2742 در دانشگاه پنجاب نگهداری می‌شود.
۲. بر اساس نوشته نقوی در *تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان* (۱۳۴۳: ۱۱۲)، در نسخه دانشگاه لاهور نیز این فرقه از رودکی شروع شده و با ذکر مولانا محمود پرسه پایان یافته، اما ذکر یکصد و سی شاعر را آورده است که پانزده نفر بیشتر از نسخه دانشگاه تهران است.
۳. نسخه لاهور نیز در این فرقه با جامی شروع می‌شود و با مولانا سعدی پایان می‌یابد، اما شرح حال یکصد و بیست شاعر را داراست (نقوی، ۱۳۴۳: ۱۱۲).
۴. بنا به نوشته نقوی نسخه لاهور ناقص‌الآخر است و در این فرقه ذکر یکصد و چهل شاعر، از مشفق تا یمانی آورده شده است (همان: ۱۱۲).

منابع

- آزاد بلگرامی، غلام‌علی (۱۳۹۰). *خزانه عامره*. تصحیح ناصر نیکویخت و شکیل اسلم بیک. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بدائونی، عبدالقادر بن ملوک شاه (۱۳۷۹). *منتخب‌التواریخ*. به تصحیح احمدعلی صاحب و اهتمام توفیق هاشم پور سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- بقایی، خواجه محمد عارف (۱۳۳۰). *مجمع‌الفضلا*. نسخه خطی شماره ۶۵۴۶، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تاریخ تحریر: ۱۳/جدی/۱۳۳۰: محل کتابت: کابل.

علیرضا شعبانلو ۱۰۷

حبیبی، عبدالحی (۱۳۳۹). «دربارهٔ مجمع الفضلاء محمدعارف بقایی»، راهنمای کتاب. س سوم، ش ۴، آبان ۱۳۳۹، صص ۵۲۲-۵۳۰.

گلچین معانی، احمد (۱۳۵۰). تاریخ تذکره‌های فارسی، ج ۲. تهران: دانشگاه تهران.

محمد صدیق حسن خان (۱۳۸۶). تذکرهٔ شمع انجمن. تصحیح محمدکاظم کهدویی. یزد: دانشگاه یزد.

نفیسی، سعید (۱۳۴۴). تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری. تهران: کتابفروشی فروغی.

نقوی، علیرضا (۱۳۴۳). تذکره‌نویسی فارسی در هند و پاکستان. تهران: علمی.

نهادی، عبدالباقی (۱۳۸۱). مآثر رحیمی، بخش سوم، به اهتمام عبدالحسین نوایی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی